

تاریخچه فرهنگ نویسی عامیانه فارسی

مهرداد نغزگوی کهن (استادیار دانشگاه بوعلی سینا)

علی‌رغم سنت کهن فرهنگ‌نویسی در ایران، جمع‌آوری لغات گفتاری و عامیانه و ثبت آنها در فرهنگ‌ها امری متأخر است. در واقع، با ورود به قرن بیستم و انقلاب مشروطه بود که توجه بعضی از نویسندگان به‌طور جدی به سوی کاربرد زبان گفتار در نوشتار جلب شد و آنان جرئت یافتند تا به زبان مردم کوچه و بازار بنویسند. البته از دوره قاجار نیز واژه‌نامه‌های عامیانه کوچکی در دست است که از بین آنها می‌توانیم به مرآت‌البله‌اء (آخرین چاپ آن با نام لغات مصطلحه عوام به اهتمام احمد مجاهد، ۱۳۷۱) با ۱۲۴ سرواژه، و فرهنگ واژه‌های عامیانه، تألیف رضا حکیم خراسانی (۱۳۰۷ ه‍.ق) با ۱۵۸ سرواژه اشاره کنیم. واژه‌نامه حکیم خراسانی اخیراً به صورت ضمیمه‌نامه فرهنگستان به تصحیح سیدعلی آل‌داود (۱۳۸۴) منتشر شده است. همان‌طور که آل‌داود نیز تصریح می‌کند، مرآت‌البله‌اء شبیه رساله تعریفات عبید زاکانی است. البته، به نظر نگارنده، فرهنگ واژه‌های عامیانه حکیم خراسانی نیز تا حدی به همین صورت است، یعنی مؤلف فرض را بر این می‌گذارد که خواننده معنای واقعی سرواژه را می‌داند، بنابراین تنها معنای مجازی و طعنه‌آمیز آن را به دست می‌دهد؛ مثلاً، در لغت‌نامه دهخدا، واژه «خواهشمند» به معنای «مستدعی، ملتمس، طالب، متقاضی، ...» و واژه «دنگال» «اسب درازگردن بی‌اندام» و نیز «سخت‌فراخ و بزرگ» آمده است؛ در حالی که در فرهنگ واژه‌های عامیانه این دو کلمه به صورت‌های زیر تعریف شده‌اند:

خواهشمند: کل شعرا و ادبا و علمایی که با بزرگان مراوده می‌نمایند و معاشر می‌شوند؛ و کل ملاها و اهل کمالی که مصدق اهل دولت‌اند.

دنگال: عموم اهل مازندران و نور و کجور که تن و هیکل بهیمی را به فوز برنج‌های صدری و کره‌های گاو و گاومیش منور می‌نمایند لیکن از نور معنی و معرفت خبر ندارند. و من می‌گویم:

آدمی را که جان معنی نیست حیوانی به صورت بشر است

روشن است که تعاریف فوق را تنها می‌توان در مقام طعنه و مزاح تعبیر کرد.^۱ بجز آثار فوق‌الذکر، ظاهراً میرزا حبیب اصفهانی نیز از دیگر پیشگامان فرهنگ‌نویسی عامیانه بوده است. علی‌رغم اینکه او در خارج از کشور زندگی می‌کرد، به جمع‌آوری و توضیح فرهنگ عامه پرداخت. حاجی پیرزاده در سفرنامه خویش ضمن شرح دیدار خود در استانبول با وی به این‌گونه کوشش‌های میرزا حبیب اشاره می‌کند:

... و انشاءات که از خود گفته و کتاب‌ها نوشته که الفاظ‌های خوب و مرغوب را به‌طور مضحکه جمع و طبع نموده است، مثل ایرنامه و چارگاه کس^۲ که اصطلاحات مخصوص که در ایران متداول است و الفاظ و لغاتی که در افواه عوام و خواص است و کسی آنها را ننوشته است و به انشاء درنیاورده است. آنها را ضبط و جمع نموده، که در حقیقت آن کتاب‌ها مجموعه لغات گم‌شده و از دست رفته است ... (سفرنامه حاجی پیرزاده، ص ۹۷).

پیرزاده، در ادامه، بعد از برشمردن صفات حمیده میرزا حبیب، به انتقاد از وی می‌پردازد:

... ولی، چون میرزا حبیب در جوانی با مردمان لامذهب و بی‌دین و بی‌پروا از آیین راه رفته، طبع او هنوز میل به عوالم‌های لهو و لعب و شوخی و مزاح دارد و، با وجود این همه کمالات و معارف که با اوست، خیلی میل به الفاظ هرزه و لغویات دارد... (همانجا)

۱) در اصطلاح فرهنگ‌نویسی غربی به فرهنگ‌هایی مانند رساله تعریفات، مرآت البلبها و واژه‌های عامیانه حکیم خراسانی anti-dictionary می‌گویند که استاد ابوالحسن نجفی معادل «نالغت‌نامه» را برای آن پیشنهاد کرده.

ویژه‌نامه فرهنگ‌نویسی

۲) این دو اثر منظومه‌های طنزآمیزند نه نالغت‌نامه. ویژه‌نامه فرهنگ‌نویسی

از طرز تلقی و دیدگاه حاجی پیرزاده چنین برمی آید که، در زمان او نیز، سخن گفتن یا نوشتن به کلام مردم کوچه و بازار نوعی بی‌دینی به حساب می‌آمده است و می‌بایست از آن پرهیز کرد. جالب اینجاست که حتی بعضی از خارجیانی که در این دوران به ایران سفر کرده‌اند متوجه بی‌رغبتی ایرانیان به ادبیات عامه خود شده‌اند؛ از جمله ژوکوفسکی که طی اقامت سه‌ساله‌اش در ایران (۱۸۸۳-۱۸۸۶) پی به این موضوع می‌برد و در این باره می‌نویسد:

ایرانیان...، در حالی که ستایشگران رجال ادب خود (حافظ، شیخ بهائی، قآنی) هستند، به ارزش‌های آثار ملی اصلاً اعتماد ندارند و آشکار است که نسبت بدان‌ها بی‌اعتنا هستند و آنها را چیزی جز حرف مفت و بی‌معنی نمی‌دانند. نه تنها در میان مردم عادی بلکه در میان طبقه تحصیل‌کرده و بافرهنگ نیز با چنین نظراتی روبه‌رو بوده‌ام (۱۳۸۲، ص ۱۶).^۳

علی‌رغم تلاش‌های میرزا حبیب اصفهانی و سایرین، این دهخدا است که با چاپ کتاب امثال و حکم (۱۳۰۸-۱۳۱۱) نام خود را در مقام اولین فرهنگ‌نویس عامیانه ایرانی ثبت نمود. این کتاب بخشی از لغت‌نامه مشهور دهخداست. در چهار مجلد امثال و حکم، ضرب‌المثل‌هایی که هم در نوشتار هم در گفتار فارسی به کار می‌روند فهرست شده است. تعدادی از این ضرب‌المثل‌ها را می‌توان در زمره کلمات یا عبارات عامیانه تلقی کرد. البته بسیاری از مواد ضبط شده دیگر کاربردی ندارند و تنها در نوشتار بسیار محافظه‌کارانه دیده می‌شوند. سرواژه‌ها در امثال و حکم مانند بسیاری از لغت‌نامه‌هایی که به زبان فارسی نوشته شده‌اند، برچسب کاربردی ندارند و تلفظ صحیح لغات و عبارات نیز مشخص نیست. نکته برجسته در این اثر به دست‌دادن شواهد مستند فراوان است که از آثار منظوم و منثور برگرفته شده است.

کتاب فرهنگ عامیانه یوسف رحمتی (۱۳۳۰) اثر دیگری است که در آن لغات و

۳) ژوکوفسکی، در کتاب خود به نام اشعار عامیانه ایران، علاوه بر جمع‌آوری اشعار عامیانه، در بخش ششم، فهرست لغاتی را که در ادبیات عامه با آنها برخورد نموده و در فرهنگ‌های فارسی وارد نشده آورده است (ص ۱۹۲-۲۰۱). نکته جالب دیگر این است که وی، در مقدمه کتاب، بعضی از خصوصیات فارسی محاوره‌ای را توصیف کرده است (ص ۱۸-۲۱).

عبارات و ضرب‌المثل‌های رایج در گفتار روزمره فهرست شده است. این اثر مشتمل بر دو بخش است. بخش نخست (ص ۹-۳۴) اختصاص به ضرب‌المثل‌ها دارد و قسمت دوم (ص ۳۵-۱۳۳) شامل کلمات و عبارات عامیانه است. یکی از مزیت‌های این فرهنگ کوچک این است که تقریباً همه موارد ضبط شده در زمان تألیف کتاب رایج بوده و هیچ کلمه یا ضرب‌المثل قدیمی و متروک در این کتاب نیامده است. نقص این کتاب نیز نبود شاهد و مثال برای همه مدخل‌ها، ضبط نکردن تلفظ مدخل‌ها و، مهم‌تر از همه، تعداد کم مدخل‌هاست. گاهی نیز تعاریف گنگ و ناهمگون است؛ مثلاً، در مواردی، یک ضرب‌المثل با استفاده از ضرب‌المثل دیگر تعریف شده است (از نمونه: جوجه را پاییز می‌شمرند: شاهنامه آخرش خوش است؛ آن ممه‌ها را لولو برد: آن سبو بشکست و آن پیمانه ریخت).

سیدمحمدعلی جمالزاده، نویسنده و داستان‌نویس معاصر، نیز، با انتشار «مجموعه کلمات عوامانه فارسی» در پایان مجموعه داستان‌های کتاب یکی بود یکی نبود، گام نخست خویش را در فرهنگ‌نگاری عامیانه فارسی برداشت. بعدها همین مجموعه کوچک اساس تألیف کتاب فرهنگ لغات عامیانه (۱۳۴۱) قرار گرفت (← افشار ۱۳۷۶). این فرهنگ را که محمدجعفر محجوب ویرایش نموده است می‌توان از نمونه‌های خوب لغت‌نامه‌های عامیانه دانست. تعدادی از فرهنگ‌نویسان متأخر از این اثر الگوبرداری کرده‌اند. جمالزاده، به‌خلاف اسلاف خویش، توجه زیادی به متون نوشتاری ننموده و، در مقدمه مفصل و جامع این فرهنگ، با ارائه دلایل بسیار نشان داده است که زبان گفتار به اندازه زبان نوشتار حایز اهمیت است. مؤلف در مورد هدف اصلی تدوین کتاب خود می‌نویسد:

... مقصود اصلی در این کتاب همانا جمع‌آوری کلماتی بوده که عموماً در همه جای ایران متداول و معروف اغلب فارسی‌زبان‌ها می‌باشد... (جمالزاده ۱۳۸۲، ص ۱۱۲).

سپس وی به نکته مهمی در گزینش مواد اشاره می‌کند:

نکته قابل ذکر آنکه مقصود در اینجا جمع‌آوری کلمات مفرده بوده است نه بعضی اصطلاحات

عوامانه که آنها را در کتاب لغت در ردیف کلمات نمی‌توان جا داد، از قبیل «کچلک‌بازی» که به معنی «بیهوده داد و فریاد راه انداختن و...» است؛ هرچند گاهی پاره‌ای از این قبیل اصطلاحات، که حکم کلمات مرکبه را دارد، در کتاب آمده و یا تقریباً بدون اراده وارد شده است. (همانجا)

به عبارت دیگر، غالباً در این کتاب کلمات چه ساده چه مرکب فهرست شده‌اند و منظور ثبت عبارات، جملات، اصطلاحات یا ضرب‌المثل‌ها نبوده است. ویژگی اثر جمالزاده در این است که فرهنگ‌نویسان متقدم‌تر بسیاری از لغاتی را که وی فهرست کرده است قبلاً نیاورده‌اند. البته، روش جمع‌آوری لغات به‌طور دقیق شرح داده نشده است ولی، همان‌طور که گفتیم، مؤلف تصریح می‌کند که مواد مورد استفاده براساس زبان گفتار مردم بوده است. در اکثر موارد، شاهد یا مثالی برای لغات داده نشده است و در مواردی نیز تنها سرواژه آمده و هیچ تعریفی برای آن عرضه نشده است (از نمونه: کله‌مازویی، کلک و کلک، قرچی پرچی، قایم کلان و جز آن). دلیل به دست ندادن تعریفی خاص برای موارد اخیر تردید مؤلف در مورد معنای دقیق این کلمات بوده است. تلفظ صحیح سرواژه‌ها به شیوه نظام‌مند مشخص نشده و تنها در مواردی، با استفاده از زیر، زیر و پیش، تلفظ باز نموده شده است.^۴

فرهنگ عوام امیرقلی امینی نمونه خوبی از لغت‌نامه‌هایی است که در شهری جز تهران نگاشته شده است.^۵ امینی اهل و ساکن شهر اصفهان بوده است. چاپ اول کتاب (انتشارات مؤسسه مطبوعاتی علی‌اکبر علمی) تاریخ ندارد ولی از مقدمه (ص نهم) می‌توان حدس زد که نمی‌بایست زودتر از سال ۱۳۳۳ نوشته شده باشد. در مقدمه کتاب، مؤلف خاطرنشان می‌سازد که هدف وی جمع‌آوری مواد گفتاری بوده است که مردم کوچه و بازار بدان سخن می‌گویند و تقریباً توجهی به متون نوشتاری نشده است.

۴) در مورد شیوه‌های آوانویسی در لغت‌نامه‌ها ← طیب‌زاده ۱۳۶۸.

۵) لازم است یادآوری کنیم که در این نوشته تنها به فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌هایی توجه کرده‌ایم که به فارسی ایران امروز مربوط می‌شوند، یعنی لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌های مربوط به فارسی عامیانه سایر کشورهای فارسی‌زبان مورد نظر نبوده‌اند (از جمله: افغانی‌نویس ۱۳۳۷؛ مقتدری ۱۳۳۸).

در چاپ دوم کتاب (انتشارات دانشگاه اصفهان)، اصلاحاتی صورت گرفته و سرواژه‌های فرهنگ نیز شماره‌گذاری شده است. تعداد این سرواژه‌ها بالغ بر ۱۲۴۲۸ مورد است. در اکثر موارد، تنها معنی لغات آمده است و از شاهد یا مثال خبری نیست. اکثر مواد ضبط‌شده عبارات یا جملات مختلف است (مثل ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و جز آن) و کمتر سرواژه تک‌کلمه‌ای فهرست شده است. شیوه تلفظ کلمات نیز باز نموده نشده است. برای بعضی سرواژه‌ها، معنایی به دست داده نشده و تنها به ذکر آنها اکتفا شده است.

فرهنگ جمشیدی‌پور (۱۳۴۷) با عنوان فرهنگ امثال فارسی اهمیت چندانی ندارد. این کتاب فاقد مقدمه است و روش جمع‌آوری مواد کتاب معلوم نیست و تنها فهرست ده کتاب که در نوشتن این فرهنگ از آنها استفاده شده ذکر شده است. شیوه تلفظ سرواژه‌ها نیز مشخص نیست. بعضی از ضرب‌المثل‌های عربی مورد استفاده در فارسی نیز در این کتاب آمده است (ص ۱، ۳۲، ۳۸). مشخصه جالب این کتاب فهرست تشبیهاتی است که به صورت کلیشه در فارسی به کار می‌رود؛ مثلاً، جهنم: مکانی بسیار گرم؛ حمام زنانه: جایی پرهیاهو؛ گلوله: سریع (ص ۱۹۵-۲۳۴).

کتاب دیگر در حوزه فرهنگ‌نویسی عامیانه کتاب کوچه شاملو (۱۳۷۸/۱۳۵۷) است. با کمی تساهل این اثر را می‌توان کتابی قوم‌نگارانه دانست که در آن به رسوم و عقاید مردم در نقاط مختلف ایران اشاره شده است. در این کتاب، مفاهیم مزبور با کلمات، عبارات، اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و جز آن بیان شده است. کتاب کوچه فرهنگی مصور است و تاکنون بیش از یازده جلد آن چاپ شده است. در این کتاب، تنها کلمات و عبارات رایج ثبت شده است. این اثر براساس مواد نوشتاری و نیز زبان‌گفتاری تهیه شده است. تمامی سرواژه‌ها شماره‌گذاری شده‌اند. بسیاری از آنها آوانویسی شده و، در موارد معتناهی، نیز از علامات زیر، زبر و پیش برای بازنمودن تلفظ صحیح کلمات استفاده شده است. در بعضی مدخل‌ها، هم صورت معیار کلمات هم صورت گفتاری آنها ضبط شده است. ثبت گونه‌های گفتاری، به‌خصوص در اشعار، آوازاها و مانند آن بارز است. این شیوه برای خارجی‌هایی که می‌خواهند فارسی محاوره‌ای را یاد بگیرند بسیار مفید

است. بسیاری از افعال نیز همراه با صرف آنها در زمان‌های دستوری مختلف به دست داده شده است. توضیحات و تعاریف واضح و مستند است و مبین احاطه مؤلف به موضوع‌ها و کتاب‌شناسی مربوطه است. ارجاعات در انتهای هر مدخل آمده است. در بسیاری از مواضع، ارجاع متقابل یا تراجع^۶ داده شده است. یکی از مشخصه‌های جالب این اثر کاربرد برچسب‌های مختلف در مدخل‌هاست، مانند: امثال و حکم، تعبیرات مصدری، ترکیبات جمله‌ای و شبه‌جمله‌ای، چیستان، بازی و ترانه، خوابگزاری، تمثیلات، تفأل، باورهای توده، اذکار و اوراد، قصه و متل، دوا و درمان، نفرین، دعا، تصنیف، احکام، دشنام، سوگند، نوحه. گرچه این برچسب‌ها در مواردی مبهم است و مؤلف در مورد آنها توضیح دقیق نداده است، با این حال، به خواننده کمک می‌کنند تا جنبه‌هایی از معنا و کاربرد هر مدخل را بفهمند.^۷

فرهنگ معاصر نوشته انزابی‌نژاد و ثروت (۱۳۶۶)، به‌زعم مؤلفانش، نوعی تکمله برای کتاب جمالزاده به حساب می‌آید. آنها هدف از نوشتن این فرهنگ را کمک به خارجی‌هایی دانسته‌اند که می‌خواهند متون معاصر، به‌خصوص رمان‌ها و داستان‌های کوتاه فارسی، را بخوانند. نویسندگان فهرست منابع خود را مشتمل بر ۶۸ کتاب و لغت‌نامه ذکر کرده‌اند. در این فرهنگ، کلمات و عبارات عامیانه، چه آنها که رایج هستند چه آنها که متروک و کهنه، آمده‌اند و برای بعضی از آنها شواهدی از متون معاصر به دست داده شده است. بسیاری از مدخل‌های فهرست شده رونوشتی از مدخل‌های فرهنگ لغت عامیانه جمالزاده، کتاب کوچه شاملو، لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ فارسی معین و جز آن است. تنها آن دسته از سرواژه‌ها آوانویسی شده است که، به نظر مؤلفان، تلفظشان برای خوانندگان مشکل است. این آوانویسی‌ها براساس صورت‌های گفتاری واقعی هستند و نه تلفظ سنتی محافظه‌کارانه. مانند بیشتر فرهنگ‌های فارسی، اجزای کلام^۸ یا مقوله دستوری سرواژه‌ها مشخص نشده است.^۹

6) cross reference

۷) برای خواندن نقدی درباره این کتاب ← صادقی ۱۳۶۲.

8) part of speech

یکی از فرهنگ‌های جالب دیگری که به لغات عامیانه اختصاص دارد کتاب قند و نمک جعفر شهری (۱۳۷۰) است. قسمت اعظم این کتاب شامل ضرب‌المثل‌های عامیانه‌ای است که در ناحیه جغرافیایی تهران کاربرد دارند. البته میزان معتنا بهی کلمه عامیانه نیز در این کتاب فهرست شده است. مؤلف برای جمع‌آوری ضرب‌المثل‌ها از حافظه خود و نیز زبان گفتاری عامه مردم کمک گرفته است. در مجلد تجدید نظر شده اخیر این کتاب (۱۳۸۴، انتشارات معین) ضرب‌المثل‌ها براساس حرف اول نخستین کلمه هر ضرب‌المثل به ترتیب الفبا مرتب شده است. کلمات مشکل ضرب‌المثل‌ها در پانوشته‌ها توضیح داده شده است. گاهی نیز، در همین توضیحات، املاهای احتمالی دیگر کلمات آمده است. در این کتاب، از صورت معیار نوشتار فارسی استفاده نشده است. شهری سعی کرده است تلفظ کلمات را با استفاده از خط فارسی و با علامت‌های زیر، زبر و پیش نمایش دهد. با توجه دقیق به مواد جمع‌آوری شده، خوانندگان و محققان علاقه‌مند می‌توانند به اختلافات نظام‌مند میان گونه‌های زبانی معیار و گونه غیرمعیاری ببرند. ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات تنها توضیح داده شده‌اند (گاهی نیز مؤلف در مورد ریشه یا داستان مربوط به آنها قلم زده است). تنها، در مواردی، شواهدی در مدخل به دست داده شده است. الفاظ و عبارات حرام یا تابو با سه نقطه مشخص شده است. در پایان کتاب (ص ۶۷۵-۷۳۶)، فهرست کاملی از ضرب‌المثل‌های مورد استفاده در لغت‌نامه آمده است.

اما می‌توان گفت فرهنگ فارسی عامیانه استاد ابوالحسن نجفی به بهترین وجه منعکس‌کننده زبان گفتاری و عامیانه است. فرهنگ فارسی عامیانه در دو جلد چاپ شده است و کلمات و عبارات محاوره‌ای و عامیانه رایج در تهران را از آغاز قرن چهاردهم شمسی دربرمی‌گیرد. به خلاف سایر آثار ذکر شده، مؤلف در مقدمه خود به تفصیل در مورد روش کار خود در تألیف این فرهنگ سخن گفته است. نجفی در صفحه شش جدولی را آورده است که در آن سطوح زبانی یا گونه‌های فارسی مشخص شده است.

وی، در آغاز، میان زبان نوشتاری و گفتاری تمایز می‌گذارد. این دو گونه خود به رده‌هایی مختلف تقسیم می‌شوند.

در جدول مذکور، زبان معیار بین زبان نوشتار و گفتار مشترک است؛ بنابراین مرز بینابینی آنها را تشکیل می‌دهد. این امر بدان معنی است که زبان معیار می‌تواند هم نوشتاری باشد هم گفتاری. مهم‌ترین قسمت این جدول تقسیم‌بندی‌های زبان گفتار است. وی زبان گفتار را به زبان‌های معیار، روزمره و عامیانه تقسیم کرده است. زبان عامیانه در این تقسیم‌بندی دو مرتبه دارد:

۱. زبان عامیانه در معنای متداول آن

۲. زبان جاهلی / لاتی / چاله‌میدانی^{۱۰}

نجفی بر آن است که تمایزگذاری بین دو مرتبه اخیر آسان نیست و این دو گاهی همپوشی دارند. علی‌رغم این طبقه‌بندی مفصل، مؤلف در همه مدخل‌ها این جنبه کاربردی را برای مراجعه‌کنندگان مشخص نکرده است؛ با این حال، وی برچسب‌هایی را در بعضی از مدخل‌ها آورده است. این برچسب‌ها از این قرارند:

۱. برچسب مقوله دستوری – البته تنها مقوله دستوری تعداد کمی از سرواژه‌ها مشخص شده است. این امر به‌خصوص در مورد سرواژه‌هایی صدق می‌کند که، بدون تغییر صوری، متعلق به مقوله‌های دستوری متفاوت‌اند.

۲. برچسب‌های کاربردی و سبکی – نجفی برای نشان‌دادن مفاهیم سبکی و کاربردی از عبارات زیر استفاده می‌کند: با لحن تحقیر، نوعی دشنام، عبارت طعنه‌آمیز، با لحن طنز، الفاظی برای تهدید، نوعی قسم، با لحن غیرمؤدبانه، عبارت تعجب‌آمیز، با لحن خشم، با لحن پرخاش و جز آن.

در کتاب نجفی، کلمات و عبارات به همراه بعضی ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات ضبط شده‌اند. او در صفحه هشت تصریح می‌کند: «فرهنگ حاضر شامل لغات و ترکیبات

۱۰) تمایز قایل شدن بین گونه‌های مختلف زبان فارسی بی‌سابقه نیست. محققان دیگری چون هاج (Hodge 1957) و جرمیاس (Jeremiás 1984)، ترجمه فارسی (۱۳۶۶) سعی کرده‌اند تا، با عرضه مثال‌های عینی از واژگان، صرف، نحو یا واج‌شناسی گونه‌های مختلف فارسی را مشخص کنند.

متداول زبان فارسی امروز در مرتبه عامیانه و زبان روزمره است که، در بعضی از موارد، تا حدّ زبان معیار پیش می‌رود». به عبارت دیگر، تنها مراتب مختلف زبان گفتاری مورد نظر بوده است؛ با این حال، برای تألیف این فرهنگ از مواد نوشتاری و هم گفتاری استفاده شده است. مؤلف، در صفحات ۱۵۱۹-۱۵۲۳، از ۱۱۴ کتاب و مقاله و جز آن در مقام منابع مورد استفاده در تألیف کتاب یاد کرده است. البته، در این کتابنامه، مشخصات کتاب‌هایی که، در این فرهنگ، تنها در یک مورد از آنها استفاده شده نیامده است. در هر مدخل، مؤلف به منبعی که شواهد را از آن نقل کرده است اشاره می‌کند. در موارد معدودی نیز، نجفی از شَمّ زبانی خود برای به دست دادن مثال‌ها و شواهد یاری جسته است. از رسم الخط معیار فارسی برای املاي سرواژه‌ها استفاده شده است، بنابراین تغییرات آوایی مربوط به زبان گفتاری همیشه باز نموده نمی‌شود. تلفظ صحیح همه سرواژه‌ها نیز مشخص نشده است. تنها تلفظ کلماتی که به نظر مؤلف مشکل می‌آمده ارائه شده است. مؤلف از دو روش برای نمایش تلفظ کلمات به اصطلاح مشکل استفاده می‌کند:

۱. علایم زیر، زبر و پیش سَنّتی

۲. آوانویسی

روش دوم پراکنده به کار رفته است. در بعضی موارد، از هر دو روش به صورت هم‌زمان استفاده شده است. در موارد معدودی نیز، تلفظ‌های داده شده غلط است (مثلاً: ای ول ey vol به جای ey val، شَغال به جای šqâl). در ضبط تلفظ‌ها گاهی نیز صورت ملفوظ قدیمی ثبت شده که دیگر کمتر مردم عادی آنها را به کار می‌برند. مثلاً در فارسی امروز گرایش به سمت جانشین نمودن a قدیمی با e در جایگاه‌های مختلف است،^{۱۱} ولی در موارد زیر نجفی تلفظ‌های قدیمی را ضبط کرده است:

پَلاس‌بودن به جای پَلاس بودن، پَلاسیدگی به جای پَلاسیدگی، تَکیه به جای تَکیه، تَپاندن به جای تَپاندن، غَلیان به جای غَلیان، شَماتت به جای شَماتت، حاجی مَعده‌ای به جای حاجی مَعده‌ای و جز آن (نیز ← اعلم ۱۳۸۰).

(۱۱) برای توضیح بیشتر در این باره ← Pisowicz 1985.

بسیاری از کلمات و عباراتی که در این فرهنگ ضبط شده است در سایر فرهنگ‌های مشابه وجود ندارد یا اینکه معناها و کاربردهای ذکر شده برای آنها به کاملی توضیحات این کتاب نیست. به طور خلاصه، مزیت‌های این فرهنگ بر فرهنگ‌های دیگر به قرار زیر است:

۱. مؤلف براساس پیکره زبانی کاملاً مشخص این اثر را تألیف نموده است، یعنی چارچوب کار وی دقیقاً مشخص است.
۲. تعاریف و توضیحات کاملاً شفاف و شماره‌گذاری شده‌اند.
۳. برای هر سرواژه شواهدی ذکر شده و نام مآخذ نیز آمده است.
۴. بسیاری از سرواژه‌ها کلمات و عبارات محاوره‌ای و عامیانه جافتاده و دارای تداول عام‌اند، یعنی در زبان تثبیت شده‌اند. ثبت این موارد به‌خصوص برای خارجی‌هایی که می‌خواهند فارسی یاد بگیرند بسیار مفید است.
۵. واحدهای شمارش رایج در فارسی در این فرهنگ آمده است؛ مانند: یک دست لباس، شش دهنه دکان، چهار پارچه آبادی، یک پارچه زمین.
۶. معانی مختلف کلمات دستوری، مانند کلمات ربط، قیدها، حروف اضافه و جز آن ارائه شده است (مثل معانی مختلف: حالا، دیگر، هم، که، اما، با، از، به، تا، اگر، تازه، آیا، باز، بازهم و غیره). اکثر جنبه‌های معنایی و کاربردی این موارد در هیچ‌یک از دیگر فرهنگ‌های فارسی نیامده است، گرچه محققانی در این زمینه کار کرده‌اند.^{۱۲} بعضی از این کلمات دستوری، وقتی در عبارات و گروه‌های خاصی قرار می‌گیرند، معنای اصطلاحی به این گروه‌ها می‌بخشند. این موارد نیز در کتاب نجفی فهرست شده است، مثل: از ما بهتران؛ تا بوده: همیشه؛ اگر می‌دید: کاش می‌دید.
۷. تمام معانی بسیاری از افعال بسیط در لغت‌نامه‌های دیگر فهرست نشده‌اند. نجفی با تیزبینی خاص خود این موارد را جمع‌آوری و ثبت کرده است و برای هر مورد به تفکیک توضیحات مفیدی داده است؛ از جمله معناهای مختلف ثبت شده برای افعال: آمدن، آوردن، افتادن، انداختن، برداشتن، بردن، بریدن، بستن، پریدن، خواباندن،

(۱۲) از جمله، درباره معانی مختلف حروف اضافه ← خانلری ۱۳۷۴ و صادقی ۱۳۴۹.

خواهیدن، خواستن، خوردن، دادن، داشتن، رفتن، رساندن، رسیدن، ریختن، زدن، کردن، گذاشتن، گرفتن، گفتن و جز آن.

۸. بعضی از صورت‌های تصریفی معنایی جز معنای صورت استنادی خود دارند. در این فرهنگ، موارد مذکور در مدخلی جداگانه فهرست شده‌اند، مانند صورت منفی افعال دادن، داشتن، فهمیدن، کردن، کشتن، افتادن، بودن، نگاه کردن و جز آن.

۹. صورت‌های دوگانی یا مکرر و اتباع و مهملات نیز ثبت شده است: پله‌پله، بلند بلند، بچاپ بچاپ، بدو بدو، بربر، بند بند، بکوب بکوب، بگیر بگیر، اتاق اتاق، بچه‌ها بچه‌ها، پول پله، آس و پاس، لات و لوت، باروبندیل، بفهمی نفهمی، بگونگو و غیره.

۱۰. در بسیاری از موارد، املاها و تلفظ‌های چندگانه ثبت شده است. صورت‌های مختلف املائی با علامت / از هم جدا شده است. در این موارد، اولین گونه دارای کاربرد بیشتری است؛ مثل: جناغ / جناق؛ خرده / خورده؛ زغال / ذغال؛ زغنوت / زقنبوت / زغنبود؛ زق / زغ و جز آن.

۱۱. تقریباً فهرست کاملی از اصوات به همراه معنا و کاربردشان ثبت شده است؛ مثل اوه، اهوی، اه، ایه، آخ، ای، هیش، ایش، ایه، به، و جز آن. بسیاری از نام‌آواها هم در این کتاب آمده است؛ مثل: پت‌پت، پچ‌پچ، پر، تق و توق و غیره.

۱۲. در بعضی مدخل‌ها، ترتیب خطی عناصر واژگانی که در تغییر معنا یا تغییر صوری مهم است با فرمول‌هایی نمایش داده شده است:

— این + اسم + هم + همان اسم + است؟ عبارتی به طریق استفهام انکاری دال بر اینکه چیز مورد بحث مناسبتی یا ارزشی ندارد: «... این پولها هم پول است؟»

— از این + صفت تفضیلی + نمی‌شود. نوعی ترکیب کلام دال بر اینکه وضع به نهایت خود رسیده است: «از این زیباتر نمی‌شود».

— از این + اسم به صیغه جمع. این نوع: «از این مدادها»

— حالا + فعل نهی + کی + فعل امر. نوعی ساخت کلام که دلالت بر تکرار پیاپی می‌کند: «دست مرا گرفت و حالا نبوس کی ببوس!»

۱۳. با توضیحات نجفی می‌توان سرواژه‌های دارای نقش تعاملی^{۱۳} را از موارد دارای نقش تبدلی یا محتوایی باز شناخت^{۱۴}:

- آقا (م) که شما باشید. تکیه کلام کسی که داستانی یا واقعه‌ای نقل کند (اگر مخاطب او مرد باشد).
- اختیار دارید. تکیه کلامی که برای رد محترمانه سخن مخاطب به کار برند.
- انگار نه انگار. تکیه کلامی دال بر بیهودگی کاری یا نفی مطلق تأثیر چیزی.
- این که نشد. عبارتی دال بر اعتراض یا سرخوردگی از مشاهده آنچه خلاف انتظار باشد.
- بالا غیرتاً. کلامی که برای درخواستن چیزی از کسی و به نشانه استمداد از کرم و جوانمردی او گویند.

- ای بابا. تکیه کلامی برای دعوت به آرامش و مصالحه
- پدرت خوب مادرت خوب. عبارتی دال بر اعتراض مشفقانه به کسی که سخن بیجایی گفته یا کار ناخوشایندی کرده باشد.

این فرهنگ مشتمل بر اکثر کلمات و عبارات عامیانه و محاوره‌ای است که در رسانه‌ها و نوشته‌های روزمره کاربرد دارند؛ از این رو، به جرئت می‌توان گفت که هیچ محققى در حوزه زبان فارسی بی‌نیاز از این مرجع مهم نیست.

آخرین فرهنگی که در این مقاله به بررسی آن می‌پردازیم لغت‌نامه کوچک ولی مهم فرهنگ لغات زبان مخفی (۱۳۸۲) تألیف سیدمهدی سمائی است که بارها تجدید چاپ شده است. مؤلف مواد جمع‌آوری شده در این فرهنگ را بخشی از واژگان زبان مخفی^{۱۵} جوانان تهرانی می‌داند که آنها برای ارتباط صمیمانه با یکدیگر یا متمایز ساختن خود از سایر گروه‌های اجتماعی و نیز مقاصد دیگر به کار می‌برند.^{۱۶} از خصوصیات برجسته کتاب واج‌نویسی یکنواخت و منسجم آن است که در فرهنگ‌های دیگر سراغ نداریم.

13) interactional function

۱۴) زبان دارای دو نقش است: نقش تبدلی و نقش تعاملی. نقش تبدلی ناظر بر بیان محتواست؛ نقش تعاملی ناظر بر بیان روابط اجتماعی و عقاید شخصی است (نیز ← Brown & Yule 1983, p. 1-4).

15) argot

۱۶) بعضی از زبان‌شناسان بین زبان مخفی و زبان عامیانه (که زبان افراد بیشتری از جامعه است) تمایز قایل شده‌اند، ولی ما در اینجا با کمی تساهل زبان مخفی را نیز جزء زبان عامیانه طبقه‌بندی کرده‌ایم.

علاوه بر این، تمامی مواد کتاب به روش میدانی جمع‌آوری شده است. در این روش، گفتار افراد ملاک قرار گرفته است. یکی دیگر از خصوصیات این کتاب، که خود مؤلف نیز به آن اشاره می‌کند، داشتن مترادف‌های فراوان برای یک مفهوم است (مقدمه، ص ۹). سمائی، با تعریفی که از زبان مخفی به دست می‌دهد، کار خود را متفاوت با فرهنگ لغات عامیانه جمالزاده، فرهنگ عوام امیرقلی امینی، کتاب کوچه شاملو و جز آن می‌داند و می‌نویسد:

اما درباره زبان مخفی - با تعریفی که در این کتاب از آن عرضه شده است - تاکنون فرهنگی منتشر نشده است. از جمله آثاری که می‌توان آنها را به نوعی با زبان مخفی مربوط دانست یکی مجموعه لغات و اصطلاحاتی است که سیدابراهیم نبوی در ضمیمه کتاب سالن ۶ آورده است و دیگری بخشی از لغات کتاب فرهنگ جبهه سید مهدی فهمی است. در کتاب فرهنگ اصطلاحات عامیانه جوانان مهشید مشیری نیز برخی از لغات و اصطلاحات زبان مخفی آورده شده است. (ص ۱۲)

سپس وی درباره هریک از کتاب‌های ذکرشده اخیر نیز توضیحاتی می‌دهد.

کتاب فرهنگ لغات زبان مخفی در سه بخش تنظیم شده است:

۱. **بخش الفبایی** - این بخش مفصل‌تر از سایر بخش‌هاست و در آن سرواژه‌ها به ترتیب الفبایی منظم شده‌اند. مقوله دستوری سرواژه‌ها مشخص نشده است، ولی برای هر مورد مثالی آمده است. معناهای متفاوت سرواژه‌ها با شماره‌گذاری از هم تفکیک شده است. در این بخش، ارجاع به متن نیز فراوان است.

۲. **بخش موضوعی** - مؤلف عنوان «حوزه‌های معنایی» را برای این قسمت انتخاب کرده است. در این بخش، تعدادی از کلمات و عبارات برحسب معنا در سیزده حوزه معنایی فهرست شده‌اند؛ مانند: اسامی فریکاران، اسامی جنس مخالف، اسامی و افعال و ترکیبات مربوط به حالات روانی و جز آن.

۳. **بخش مترادفات** - این بخش، با عنوان «حوزه مترادف‌ها»، به کلمات مترادف اختصاص دارد. این کلمات با نمودارهایی باز نموده شده‌اند.

همان‌طور که دیدیم فرهنگ‌نویسی عامیانه در ایران با گذشت زمان رو به بهبودی نهاده است و فرهنگ‌نویسان متأخر در جمع‌آوری و ضبط و توضیح مواد زبان عامیانه، بیش از پیش، از روش‌های علمی استفاده کرده‌اند. می‌دانیم لازمه فرهنگ‌نویسی علمی (از جمله فرهنگ‌نویسی عامیانه و همچنین تألیف دستورهای جامع یک زبان براساس چارچوب‌های نظری مختلف) وجود پیکره زبانی مناسب، طبیعی و جامعی از زبان گفتاری مورد نظر است. در شرایط آرمانی، برای تهیه چنین پیکره‌ای، لازم است گفتار مردان و زنان در سنین مختلف با درجات تحصیلی، وضعیت معیشتی و منزلت اجتماعی مختلف در شرایط عادی ثبت و ضبط گردد. آنگاه باید فرهنگ‌نویسان اساس کار خود را بر روی این پیکره زبانی بگذارند و، با توجه به هدف خود، قسمت‌های مشخصی از این پیکره را مورد استفاده قرار دهند. روشن است که تهیه چنین پیکره عظیمی از عهده یک فرد خارج است. به نظر نگارنده، جا دارد سازمان‌ها و نهادهای مسئول، مثل فرهنگستان، اگر هنوز مبادرت به انجام‌دادن چنین کاری نکرده‌اند، مقدمات لازم را برای انجام چنین طرحی آماده کنند. شاید تنها با وجود چنین پیکره‌ای بتوان امیدوار بود که فرهنگ‌ها و دستورهای بعدی بیشتر منعکس‌کننده زبان عادی مردم باشند.

منابع

- اعلم، هوشنگ (۱۳۸۰)، «باز هم درباره فرهنگ فارسی عامیانه»، نامه فرهنگستان، د ۵، ش ۱، ص ۹۶-۱۲۵.
- افشار، ایرج (۱۳۷۶)، «محمدعلی جمالزاده»، نامه فرهنگستان، د ۳، ش ۳، ص ۹-۲۶.
- افغانی‌نویس، عبدالله (۱۳۴۰)، لغات عامیانه فارسی افغانستان، دولتی مطبعه.
- امینی، امیرقلی (بی‌تا)، فرهنگ عوام یا تفسیر امثال و اصطلاحات زبان فارسی، علمی، تهران.
- _____ (۱۳۵۳)، فرهنگ عوام یا تفسیر امثال و اصطلاحات زبان فارسی، ج ۳، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- انزایی‌نژاد، رضا و منصور ثروت (۱۳۶۶)، فرهنگ معاصر، امیرکبیر، تهران.
- برهان قاطع، محمدحسین بن خلف تبریزی، به اهتمام محمد معین، امیرکبیر، تهران ۱۳۷۶.
- جرمیا، ای. ام. (۱۳۶۶)، «دوزبانگونی در زبان فارسی»، ترجمه محمد طباطبائی، مجله زبان‌شناسی، س ۴، ش ۱ و ۲، ص ۹۱-۱۱۲.
- جمالزاده، سید محمدعلی (۱۳۸۲)، فرهنگ لغات عامیانه، سخن، تهران.

- جمشیدی‌پور، ی. (۱۳۴۷)، فرهنگ امثال فارسی، فروغی، تهران.
- حکیم خراسانی، رضا (۱۳۸۴)، فرهنگ واژه‌های عامیانه (تألیف ۱۳۰۷ هجری)، به تصحیح سیدعلی آل‌داود، ضمیمه نامه فرهنگستان، ش ۱۹.
- خانلری، پرویز (۱۳۷۴)، تاریخ زبان فارسی، جلد ۳، چاپ ۵، سیمرخ، تهران.
- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۶۸)، فرهنگهای فارسی، اسپرک، تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۰۸-۱۳۱۱)، امثال و حکم، مطبعة مجلس شورای ملی، طهران.
- رحمتی، یوسف (۱۳۳۰)، فرهنگ عامیانه، امثال، لغات و مصطلحات، چاپ فردوسی.
- ژوکوفسکی، والتین (۱۳۸۲)، اشعار عامیانه ایران (در عصر قاجار)، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، اساطیر، تهران.
- سفرنامه حاجی پیرزاده از لندن تا اصفهان، ج ۲، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۳.
- سمانی، سیدمهدی (۱۳۷۹)، «نقد و معرفی فرهنگ لغات عامیانه معاصر، نوشته منصور ثروت و رضا انزابی‌نژاد»، مجله زبانشناسی، ش ۳۰، ص ۱۰۸-۱۱۱.
- _____ (۱۳۸۲)، فرهنگ لغات زبان مخفی، نشر مرکز، تهران.
- شاملو، احمد (۱۳۷۸)، کتاب کوچه، ج ۱، چاپ سوم، مازیار، تهران.
- شهری، جعفر (۱۳۷۰)، قند و نمک، اسماعیلیان، تهران.
- _____ (۱۳۸۴)، قند و نمک، معین، تهران.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۴۹)، «حروف اضافه در فارسی معاصر»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، س ۲۲، ش مسلسل ۹۵ و ۹۶، ص ۴۴۱-۴۷۰.
- _____ (۱۳۵۷)، تکوین زبان فارسی، دانشگاه آزاد ایران، تهران.
- _____ (۱۳۶۲)، «نقد: کتاب کوچه»، نقد آگاه، آگاه، تهران، ص ۱۷۷-۱۹۰.
- طبيب‌زاده، امید (۱۳۶۸)، «شیوه‌های آوانگاری در لغت‌نامه‌های فارسی و ضرورت تغییر آنها»، مجله زبانشناسی، س ۶، ش ۱۱، ص ۷۴-۸۷.
- فهمی، سیدمهدی (۱۳۷۴)، فرهنگ جبهه (اصطلاحات و تعیرات)، دفتر پژوهش و گسترش فرهنگ جبهه، تهران.
- لازار، ژیلبر (۱۳۸۳)، «فارسی»، راهنمای زبانهای ایرانی، (زبان‌های ایرانی نو)، ج ۲، ویراستار: رودیگر اشمیت، ترجمه آرمان بختیاری و دیگران، زیر نظر حسن رضایی باغبیدی، ققنوس، تهران، ص ۴۳۷-۴۸۳.
- لغات مصطلحه عوام (مرآت البلهاء)، به اهتمام احمد مجاهد، انتشارات ما، تهران ۱۳۷۱.
- محمدی ملایری، محمد (۱۳۸۰)، تاریخ و فرهنگ ایران، در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، توس، تهران.

- مشیری، مهشید (۱۳۸۰)، فرهنگ اصطلاحات عامیانه جوانان، آگاهان ایده، تهران.
- مقتدري، محمدتقی (۱۳۳۸)، ضرب‌المثل‌های فارسی در افغانستان، دانشگاه تهران، تهران.
- نبوی، ابراهیم (۱۳۸۰)، سالن ۶، نشر نی، تهران.
- نجفی ابوالحسن (۱۳۷۸)، فرهنگ فارسی عامیانه، نیلوفر، تهران.
- نقوی، شهریار (۱۳۴۱)، فرهنگ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، وزارت فرهنگ، تهران.
- یواقی‌العلوم و دراری‌النجوم، به تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۵.
- BLOCHMANN, H. (1867), "Contribution to Persian Lexicography", *Journal of the Asiatic Society of Bengal*, 37, Calcutta, pp. 1-72.
- BROWN, G., & YULE, G. (1983), *Discourse Analysis*, Cambridge University Press, Cambridge.
- HODGE, C. T. (1957), "Some Aspects of Persian Style", *Language*, 33, pp. 355-369.
- JEREMIÄS, E. M. (1984), "Diglossia in Persian", *Acta Linguistica Academiae Scientiarum Hungaricae*, 4 (3-4), pp. 271-287.
- PISOWICZ, A. (1985), *Origins of the New and Middle Persian Phonological Systems*, Nakladem Uniwersytetu Jagiellonskiego, Krakow.
- SADQI, Ali Ashraf (1995), "Dictionaries—Persian Dictionaries", *Iranica*, vol. VII, Mazda Publisher, Costa Mesa California, pp. 87-390.

